

خبر	
تحریم آمریکا موجب توقف کامل پروازهای ایران – گرجستان شد خدا حافظی با ارزان ترین تور هوایی خارجی مهدی حیدری فعال گردشگری: شهر ساحلی باتومی گرجستان نزد گردشگران ایرانی شهرت دارد و مخصوص سفرهای تابستانی است. پروازهای ایران به گرجستان متوقف می شوند. یک منبع آگاه به خبرنگار عصرایران گفت دولت گرجستان با پیوستن به تحریم های جدید آمریکا، پرواز همه شرکت های ایرانی به این کشور را از دوشنبه آینده متوقف می کند. دولت گرجستان قبل از این هم سختگیری های زیادی را برای ورود شهروندان ایرانی انجام می داد و هر هفته شماری از ایرانی ها را به دلایلی از جمله ناقص بودن مدارک، اجازه ورود نمی داد و اخراج می کرد. گرجستان برای ورود ایرانی ها، ویزا نیاز ندارد. علاوه بر این، نسبت به دیگر کشورهای منطقه، مقصد ارزان قیمتی به شمار می آید. به همین دلیل پایتخت (تفلیس) و بندر باتومی آن مقصد شمار زیادی از گردشگران ایرانی است. بیش از ۴ هزار ایرانی نیز ساکن گرجستان هستند که توقف پروازهای مستقیم میان دو کشور، برای آنها نیز به مشکل بزرگی تبدیل خواهد شد. یکشنبه آینده، آخرین پروازهای ایران - گرجستان روز یکشنبه آینده (۳۰ شهریور) آخرین پروازها میان ایران و گرجستان انجام خواهد شد. این موضوع را یک منبع آگاه در مصاحبه با خبرنگار عصرایران اعلام کرد و گفت به علت تحریم های آمریکا، ورود پروازهای ایرانی به گرجستان از دوشنبه آینده ۳۱ سپتامبر، (۳۰ شهریور) ممنوع شده است. این منبع مطلع ادامه داد: پس از این تاریخ تمامی منابع مسافرتی به مقصد گرجستان کنسل شده و رفت و آمد کلیه مسافران و ایرانیان مقیم این کشور از طریق پرواز انجام نخواهد شد. این منبع افزود: سازمان هواپیمایی کشوری تاکنون در این باره اطلاع رسانی نکرده اند. بررسی خبرنگار عصرایران از چند آژانس گردشگری نیز نشان می دهد فروش تور تنها تا یکشنبه آینده انجام می شود. همچنین در سایت های فروش بلیت هواپما نیز پس از روز یکشنبه ۲۹ شهریور، هیچ بلیتی به مقصد شهرهای گرجستان (تفلیس و باتومی) فروخته نمی شود. مهدی حیدری فعال گردشگری هم گفت: به علت نزدیکی فاصله هوایی بین ایران و گرجستان و شرایط و امکانات مطلوب گردشگری، در طی سالیان گذشته گرجستان به یکی از مقاصد مورد علاقه گردشگران ایرانی در چهار فصل سال تبدیل شده‌است. همچنین شهر ساحلی باتومی نیز نزد گردشگران ایرانی شهرت خاص دارد که مخصوص سفرهای تابستانی است. وی که در زمینه برنامه ریزی و اجرای تورهای گرجستان فعالیت دارد افزود: به دلیل اقامت شماری از ایرانیان در کشور گرجستان، رفت و آمد این افراد و خانواده آنان در طول سال قابل توجه است. مهدی حیدری ادامه داد: با توجه به وجود تقاضا برای سفر به گرجستان، شماری از ایرانیان های ایرانی چند پرواز هفتگی در این مسیر انجام می دهند که در فصل تابستان و افزایش درخواست برای سفرهای خارجی به حدود ۱۵ تا ۲۰ پرواز هفتگی افزایش پیدا می کند و باعث رونق کسب و کار صدها آژانس های مسافرتی در سراسر ایران شده است. او ادامه داد: با توقف پروازهای گرجستان، یکی از مهمترین مقاصد سفرهای خارجی با هدف تفریحی، توریستی و کاری ایرانی ها بسته می شود. بررسی های خبرنگار عصرایران نشان می دهد تورهای گردشگری به مقصد گرجستان به نسبت دیگر کشورهای منطقه از جمله ارمنستان و ترکیه، ارزان ترین تورهای خارجی در ایران بودند.	



وزیر خارجه روسیه روز سه‌شنبه اظهار داشت که ایالات متحده هرگز پیشنهاد نداده است که کمک روسیه در مورد ایران با کمک این کشور در مساله اوکراین معاوضه شود.

به گزارش ایسنا، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در میزگردی که در سفارت روسیه پیرامون وضعیت اوکراین برگزار شد، گفت: «من درباره چنین گمانه‌زنی‌هایی خوانده‌ام؛ اینکه اگر روسیه در قضیه ایران کمک کند، آمریکا در مساله اوکراین همکاری خواهد کرد. همان‌طور که می‌گویم، اینجا جای چانه‌زنی نیست. این‌ها شایعاتی بود که مطرح می‌شد.»

به نقل از خبرگزاری نووستی، وزیر خارجه روسیه همچنین افزود مسکو مواضع خود در قبال اوکراین را به طور مفصل برای ایالات متحده تشریح می‌کند، اما دشوار است بتوان گفت که این امر چه تأثیری بر اقدامات عملی واشنگتن خواهد داشت. وی در ادامه گفت که روسیه نسبت به اقدامات کشورهای غربی علیه آزادی کشتیرانی نگران است: «تجاوزات و مداخلات فزاینده اخیر در زمینه آزادی کشتیرانی مایه نگرانی است. تنها از ماه ژانویه سال جاری تاکنون، کشورهای اروپایی ۱۲ فروند کشتی را براساس عناوین ساختگی و ناشناخته در حقوق بین‌الملل نظیر ناوگان سایه و موارد مشابه توقیف کرده‌اند. آنها کشتی‌ها را به ظن فقدان ملیت و بدون هیچ‌گونه مبنای موجهی متوقف می‌کنند و مدعی می‌شوند که این شناورها با پرچم جعلی در حال تردد هستند.»

وزیر امور خارجه روسیه همچنین با بیان اینکه طرح سرانگیری اجباری در اوکراین به‌زودی شامل زنان نیز خواهد شد، ادامه داد: «شما مرتباً تصاویری از اقدامات

به گزارش نونویوز درآمد روزانه نفتکش‌های غول‌پیکر VLCC در مسیر مرجع خاورمیانه به چین به حدود ۸۰۰ هزار دلار رسیده و حتی در برخی گزارش‌ها از عبور این رقم از ۸۶۰ هزار دلار سخن گفته شده است؛ رکوردی تاریخی که یک پیام روشن برای بازار دارد: ریسک هرمز دیگر فقط یک ریسک نظامی نیست؛ به یک هزینه قابل توجه اقتصادی تبدیل شده است.

وقتی اجازه یک نفتکش غول‌پیکر برای یک روز به چنین رقمی می‌رسد نشان می‌دهد که بازار در حال قیمت‌گذاری مجموعه‌ای از ریسک‌هاست؛ از کاهش شدید تردد در هرمز و نااطمینانی درباره امنیت مسیر گرفته تا افزایش هزینه بیمه و کمبود ظرفیت مؤثر ناوگان. به بیان دیگر، هرچه اجرای محاصره پرهزینه‌تر می‌شود، بخشی از این هزینه از میدان نظامی به بازار بین‌المللی منتقل می‌شود.

اما سؤال اصلی این است که چه کسی هزینه این وضعیت را می‌پردازد؟

این سؤال، هرمز را از یک مسئله صرفاً دریایی به یکی از مهم‌ترین میدان‌های («جنگ تاب‌آوری» تبدیل می‌کند.

آمریکا جنگ را با توهم برتری نظامی آغاز کرد؛ با این تصور که قدرت آتش و برتری فناوریانه می‌تواند ایران را در مدت کوتاهی وادار به عقب‌نشینی و تسلیم محض کند. اما استمرار جنگ، معادله را تغییر داد. استفاده از قدرت نظامی خود به هزینه تبدیل شد؛ مهمات مصرف شد، تجهیزات از بین رفت یا آسیب دید دهها نفر از سربازان آمریکایی کشته و زخمی شدند و یا مشابه رخداد ناو هواپیمابر ابراهام لینکلن به مشکلات روحی و فرسایش روانی دچار شدند و مجموعه زنجیره تأمین نظامی تحت فشار جدی قرار گرفت چون قرار نبود جنگ تا این زمان طولانی شود.

گزارش بازرس کل وزارت جنگ آمریکا، هزینه مستقیم جنگ تا پایان ژوئن را حدود ۳۳٫۴ میلیارد دلار برآورد کرده و هزمان از کمبود مهمات و تنگناهای زنجیره تأمین خبر می‌دهد. این رقم البته تمام هزینه جنگ نیست. هزینه جایگزینی مهمات و تجهیزات، تعمیرات، استقرار نیرو، فرسایش تجهیزات و هزینه فرصت حضور نظامی در منطقه، تنها بخشی از هزینه‌هایی است که لزوماً در عده‌های رسمی منعکس نمی‌شود. اینجاست که پارادوکس نخست آمریکا شکل می‌گیرد: ایران که قرار بود با شکستن تاب‌آوری آمریکا، جنگ را کوتاه کند در حال مصرف شدید ظرفیت تاب‌آوری آمریکاست.

ترامپ پس از ناکامی در بهره‌گیری ابزار نظامی برای دستیابی به اهداف سیاسی، به ابزار دیگری که فکر می‌کرد کم هزینه‌تر و پربازده‌تر است تکیه کرد: محاصره. منطق روشن بود؛ اگر فشار نظامی نتوانسته ایران را وادار به تسلیم کند و هزینه‌های متقابل زیادی به آمریکا تحمیل کرده، فشار بر صادرات نفت و مسیرهای دریایی می‌تواند ضمن افزایش هزینه ادامه مقاومت برای ایران، واکنش متقابلی را نیز به دنبال نداشته باشد.

ترامپ پس از ناکامی در موقعیت دفاعی نماند و به بهره‌گیری از ابتکارات هوشمندانه محاسبات اولیه آمریکا را مشابه میدان نظامی با چالش جدی روبرو کرد.

راهبرد جدید تهران را می‌توان در یک عبارت خلاصه کرد: «محاصره کردن محاصره».

این راهبرد الزاماً به معنای مقابله نظامی مستقیم با تکتک کشتی‌ها نیست. ایران با فهرست‌گذاری کشتی‌ها و اعمال محدودیت علیه آنها، ریسک را به زنجیره‌ای گسترده‌تر منتقل کرد: کشتی، مالک، پرچم، بیمه، P&I، مؤسسه رده‌بندی و بندر.

رکورد نرخ شناورهای VLCC در مسیر خلیج فارس–چین، که به حدود ۸۰۰ هزار دلار و در برخی گزارش‌ها به بیش از ۸۶۰ هزار دلار در روز رسیده، نشان می‌دهد ریسک هرمز دیگر فقط نظامی نیست؛ هزینه آن به کشتیرانی، انرژی، تورم و در نهایت تاب‌آوری اقتصادی و سیاسی آمریکا منتقل شده و واشنگتن را با پارادوکس دوم جنگ مواجه کرده است.



گزارش‌های اخیر از قرار گرفتن ده‌ها کشتی در فهرست محدودیت‌های ایران حکایت دارد؛ اقدامی که در کنار فشار به شرکت‌های بیمه و مؤسسات مرتبط با کشتیرانی، معنای متفاوتی با یک تهدید صرفاً نظامی دارد. هدف، افزایش هزینه و ریسک تصمیم‌گیری برای شبکه‌ای است که می‌خواهد از مسیر هرمز عبور کند. در اینجا یک عدم تفران مهم شکل گرفت.

آمریکا برای اعمال و حفظ محاصره به ناوهای جنگی، هواپیما، سوخت‌رسان، پادفند، شناسایی، مهمات، نیرو و لجستیک نیاز دارد. محاصره برای واشنگتن یک عملیات نظامی مستمر است و هر روز استمرار آن هزینه‌های سرسام‌آور جدید ایجاد می‌کند.

اما ایران برای «گران کردن محاصره» الزاماً به هزینه زیادی نیاز ندارد. اگر یک کشتی با قرار گرفتن در

فهرست محدودیت، با ریسک توقیف، مشکل بیمه یا محدودیت خدمات بندری مواجه شود، بخشی از هزینه سیاست ایران از بودجه نظامی به ترانزانه مالک کشتی، بیمه‌گر و شرکت کشتیرانی منتقل شده و عملاً کفه هزینه‌های بازار را در سطح بین‌المللی افزایش می‌دهد.

بنابراین مسئله دیگر صرفاً «بسته بودن یا باز بودن هرمز» نیست؛ مسئله مهم‌تر، هزینه عبور از هرمز است.

رکورد نرخ VLCC را نیز باید از همین زاویه دید. وقتی هزینه حمل یک نفتکش به صدها هزار دلار در روز می‌رسد، بازار در حال محاسبه هزینه ریسک است. این هزینه در نهایت فقط روی صورت‌حساب شرکت‌های کشتیرانی نمی‌ماند؛ به قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی و در نتیجه افزایش مجموعه هزینه‌های وابسته به انرژی در جهان منتقل می‌شود. و از اینجا، حلقه بعدی آغاز می‌شود: آمریکا.

افزایش ریسک عرضه نفت، هزینه حمل را بالا می‌برد و فشار بر قیمت نفت و فرآورده‌ها ایجاد می‌کند. گاروتیل در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا فقط

چالش‌های آمریکا در تداوم اعمال محاصره در یایی بر علیه ایران بررسی شد

ازنفتکش ۸۰۰هزاردلاری تا«محاصره در محاصره»

رکورد نرخ شناورهای VLCC در مسیر خلیج فارس–چین، که به حدود ۸۰۰ هزار دلار و در برخی گزارش‌ها به بیش از ۸۶۰ هزار دلار در روز رسیده، نشان می‌دهد ریسک هرمز دیگر فقط نظامی نیست؛ هزینه آن به کشتیرانی، انرژی، تورم و در نهایت تاب‌آوری اقتصادی و سیاسی آمریکا منتقل شده و واشنگتن را با پارادوکس دوم جنگ مواجه کرده است.



سوخت خودرو نیست. کامیون‌ها، کشاورزی، صنایع، حمل‌ونقل ریلی و بخش بزرگی از زنجیره توزیع کالا به آن وابسته‌اند.

بنابراین افزایش قیمت گازوئیل می‌تواند به سرعت از جایگاه سوخت به قیمت کالا و خدمات منتقل شود. این همان نقطه‌ای است که جنگ تاب‌آوری از میدان نظامی وارد زندگی روزمره آمریکایی‌ها می‌شود.

اگر افزایش قیمت انرژی ماندگار شود، فشار تورمی نیز می‌تواند پدیدارتر شود. تورم بالاتر، دست‌درآل زرزو را برای کاهش نرخ بهره محدود می‌کند و نرخ بهره بالا نیز هزینه تأمین مالی دولت آمریکا را افزایش می‌دهد؛ دولتی که همزمان با کسری بودجه‌سنگین و هزینه‌های جنگ مواجه است. در این میان، بازار اوراق خزانه به حلقه مهم‌بعدی تبدیل می‌شود.

افزایش انتظارات تورمی و تداوم نرخ‌های بهره بالا می‌تواند بازده اوراق را بالا نگه دارد. افزایش بازده اوراق یعنی افزایش هزینه استقراض دولت و در عین حال فشار بیشتر بر هزینه سرمایه در اقتصاد. اگر این فشار به بازار سهام نیز منتقل شود که اکنون نشانه‌های جدی آن در حال بروز است، یک شوک دریایی در هرمز می‌تواند به مسئله‌ای در قلب بازارهای مالی آمریکا تبدیل‌شود.

به همین دلیل، شکل گیری«سپتامبر سیاه» در اقتصاد آمریکا را که بسیاری از کارشناسان آن را محتمل می‌دانند نباید صرفاً به معنای سقوط یکپاره بازار تعریف کرد. سپتامبر سیاه می‌تواند به معنای همزمان شدن چند فشار باشد: انرژی گران، تورم، اوراق پرتنش، بازار سهام شکننده و افزایش فشار معیشتی بر رأی‌دهندگان.

و اینجا، انتخابات آمریکا وارد معادله می‌شود. جنگی که قرار بود هزینه آن بر ایران تحمیل شود، اگر به افزایش هزینه زندگی در آمریکا منجر شود، دیگر فقط یک پرونده سیاست خارجی نیست؛ به مسئله‌ای انتخاباتی تبدیل می‌شود.

خبر	
دیپلمات سابق آمریکایی: تحولات یمن جایگاه تهران را مقابل واشگتن تقویت می‌کند استاد دانشگاه آمریکایی و دیپلمات ارشد سابق این کشور با اشاره به درگیری‌های اخیر در یمن و حملات انصارالله به عربستان گفت تحولات باب‌المنذب قطعاً موقعیت ایران را تقویت می‌کند و در عین حال هشدار داد که آمریکا، با وجود پرهیز از ورود مستقیم به جنگ، هم‌اکنون حمایت اطلاعاتی و نظامی قابل توجهی از عربستان ارائه می‌کند و ممکن است در نهایت به درگیری کشیده شود. به گزارش ایسنا، «ولیم لارنس» دیپلمات ارشد سابق آمریکایی در گفت‌وگویی درباره تشدید درگیری‌ها در یمن و تحولات پیرامون تنگه باب‌المنذب گفت در شرایط کنونی، منافع آمریکا و عربستان در قبال انصارالله کاملاً یکسان نیست. این اظهارات پس از آن مطرح شد که انصارالله یمن اعلام کرد مجموعه‌ای از پهبادهای و موشک‌های بالستیک را به سمت عربستان شلیک کرده و مواضع نظامی این کشور، از جمله پایگاه هوایی ملک خالد در جنوب عربستان، هدف قرار گرفته‌اند. لارنس با رد این تصور که مذاکره احتمالی صرفاً میان واشگتن و انصارالله خواهد بود، گفت: «این درگیری میان آمریکا و انصارالله نیست.» به گفته او، آمریکایی‌ها اعلام کرده‌اند کشتی‌هایشان هدف قرار نمی‌گیرند و واشگتن نیز در حال حاضر خواهان ورود مستقیم به این درگیری نیست، هرچند ممکن است بعداً ناچار به دخالت شود. وی افزود عربستان به دنبال کاهش قدرت انصارالله و عقب راندن آن از اطراف باب‌المنذب است، در حالی که هدف آمریکا بیشتر جلوگیری از تشدید تنش‌هاست؛ بنابراین، «اهداف یکسان نیستند و مذاکره در شرایط فعلی آنچه را عربستان می‌خواهد به آن نخواهد داد.» تحولات باب‌المنذب به نفع ایران است لارنس در پاسخ به پرسشی درباره تأثیر پیشروی‌های انصارالله و تحولات منطقه بر جنگ میان ایران و آمریکا گفت: «قطعاً» این شرایط دست ایران را تقویت می‌کند. در باب‌المنذب، پیشرفت در مذاکرات آمریکا و ایران در مسقط است؛ مذاکراتی که به گفته او متوقف شده و مشخص نیست این وقفه چه مدت ادامه خواهد داشت. به گفته لارنس، در صورت پیشرفت مذاکرات آمریکا و ایران، اهمیت اهمی که تهران از تحولات باب‌المنذب به دست آورده کاهش خواهد یافت. با این حال، وی تأکید کرد که در شرایط کنونی «این دو مناقشه کاملاً به یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ به شکلی که به ایران کمک می‌کند.» وی افزود چنین شرایطی لزوماً دستیابی سریع‌تر به صلح را در پی ندارد و حتی ممکن است روند حل‌وفصل را کندتر کند. آمریکا اکنون هم به عربستان کمک می‌کند لارنس در پاسخ به این پرسش که آیا دولت ترامپ ممکن است در نهایت مداخله نظامی مستقیم علیه انصارالله را در راستای منافع خود بداند، گفت: «بله». او افزود بسیاری از افرادی که با دولت ترامپ در واشگتن در ارتباط هستند و همچنین شماری از کارشناسان معتقدند آمریکا در نهایت به این درگیری کشیده خواهد شد. این دیپلمات سابق آمریکایی در عین حال تأکید کرد که واشگتن همین حالا نیز نقش قابل توجهی دارد و گفت: «آمریکایی‌ها از هم‌اکنون کمک قابل توجهی در زمینه اطلاعات، شناسایی و نظارت به سعودی‌ها ارائه می‌کنند. آنها در تصمیم‌گیری درباره اهداف، آموزش و تسلیحات نیز کمک می‌کنند.» لارنس گفت آمریکا به میزان زیادی از عربستان حمایت می‌کند؛ همان‌طور که ایران از انصارالله حمایت می‌کند، اما واشگتن تاکنون به دلایل مختلف از ورود مستقیم نظامی خودداری کرده است. وی افزود ورود مستقیم آمریکا می‌تواند باعث تشدید تنش شده و به جای کوتاه کردن جنگ، آن را طولانی‌تر کند. چرا انصارالله عبور دیگر کشتی‌ها را متوقف نکرده است؟ در بخش دیگری از این مصاحبه، مجری به موقعیت انصارالله در اطراف باب‌المنذب و ادامه عبور کشتی‌های غیرسعودی از این مسیر اشاره کرد و پرسید آیا محدود کردن فشارها به عربستان با هدف دور نگه داشتن آمریکا و دیگر کشورها از جنگ صورت گرفته است.	



شبه‌قضایی است که هیچ ارتباطی با عدالت ندارد و کاملاً توسط حامیان غربی آن کنترل می‌شود.

لاوروف در نشستی با سفیران درباره وضعیت اوکراین گفت: «دیوان کفری بین‌المللی ساختاری است که حتی نیازی به انتقاد دقیق از آن نداریم. همه می‌دانند که این یک نهاد شبه‌قضایی است، هیچ ارتباطی با عدالت ندارد و کاملاً توسط حامیان غربی خود کنترل می‌شود.»

وزیر خارجه روسیه مطرح کرد

تکذیب معامله روسیه با آمریکا بر سر ایران و اوکراین

خصوص وضعیت کوزوو و کریمه نیز آشکار بود.

لاوروف افزود: «ما آماده‌ایم تا در چارچوب این موضع، به دنبال مصالحه‌های معقول باشیم، اما در اصل، هدف ما تغییری نکرده است: تضمین امنیت کشور، جلوگیری از حضور ناآو در مرزهای روسیه و صیانت از حقوق مشروع روس‌ها و روس‌زبانانی که قرن‌هاست در این سرزمین‌ها زندگی می‌کنند.»

لاوروف ادامه داد: برخی از کشورهای اروپایی به طور دوره‌ای پیشنهاد ایجاد کانال‌های ارتباطی غیررسمی با روسیه را می‌دهند و مسکو هرگز چنین تماس‌هایی نمی‌یافت. اوکراین که در بحبوحه شکست‌های مزمن در میدان نبرد، جایگاه خود را از دست داده است، به تاکتیک‌های بی‌ملاحظه و تهاجمی فزاینده‌ای متوسل می‌شود، همان‌طور که حمله آن به نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا نشان داد.

دیوان کفری بین‌المللی کاملاً تحت کنترل غرب است

وی درباره مساله فلسطین نیز گفت: «ما با فلسطین اعلام همبستگی می‌کنیم، اما دیوان کفری بین‌المللی از این مساله برای ایجاد تصویری کاذب از بی‌طرفی استفاده می‌کند. این دادگاه می‌خواهد به درگیری در اوکراین پایان دهد. اگر توافقات کند. تحقیقات دیوان کفری بین‌المللی صرفاً علیه روسیه متمرکز است. جنایات جنگی ارتكابی توسط اوکراین و شهروندان اوکراینی از حیطة صلاحیت دیوان کفری بین‌المللی مستثنا نشده‌اند.

وزیر امور خارجه روسیه اظهار داشت که دادگاه کفری بین‌المللی (ICC) یک نهاد